

## عوامل اعتقادی خسران در قرآن با تأکید بر تفسیر المیزان

امیل سی<sup>۱</sup>، مدینه امانی<sup>۲</sup>

### چکیده

خداوند متعال بعد از آفرینش بشر تمام آنچه را که بشر برای رسیدن به کمال ابدی بدان نیاز دارد، فراهم کرده و در اختیار او قرار داده است. همچنین عواملی را که باعث دور شدن بشر از مقصد است را به او معرفی کرده است. خداوند در سوره عصر از خسران همه انسان‌ها خبر داده و راه‌هایی از آن‌را ایمان و عمل صالح می‌داند. در آیات دیگر نیز به عوامل و آثار خسران اشاره شده است. مفسران ذیل آیات مربوطه، نکات ارزشمندی را در زمینه عوامل و آثار خسران بیان کرده‌اند. با توجه به آیات قرآن بخشی از عوامل خسران مربوط به اعتقادات و بخش دیگر مربوط به اعمال انسان است. تحقیق حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، عوامل اعتقادی خسران از آیات قرآن را جمع‌آوری و با استفاده از تفسیر المیزان تبیین کرده است. در پژوهش حاضر مشخص شد که کفر و متعلقات آن مانند کفر به خداوند، کفر به آیات الهی و لقاء الله، کفر به قرآن، کفر به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، ضلالت، ارتداد و ایمنی از مکر خداوند از عوامل اعتقادی خسران است.

**واژگان کلیدی:** خسران، عوامل خسران، عوامل اعتقادی خسران، خاسران،

تفسیر المیزان.

---

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن از کشور سنگال، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۲. استادیار و عضو هیئت علمی گروه علوم قرآن و حدیث مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

## ۱. مقدمه

مسئله خسران یکی از مهمترین و قدیمی‌ترین موضوعاتی است که همیشه مطرح بوده و در آیات قرآن نسبت به آن هشدار داده شده است. در سوره عصر خداوند با چند تأکید بیان کرده است که همه انسان‌ها در خسران و زیان هستند، مگر اندکی از آنها که ایمان آورده و عمل صالح انجام دهند. انسان همیشه طالب هدایت و سعادت ابدی است، اما در راه هدایت و طلب کمال همواره رهنمائی بوده‌اند که انسان را از مقصد موردنظر دور می‌کنند و از مسیر مستقیم به خسران و زیان کاری می‌کشانند. در نتیجه انسان تمام سرمایه وجودی خود را از دست می‌دهد. برای جلوگیری از این اتفاق انسان باید تمام عوامل و آثار خسران را بداند تا بتواند از آن در امان باشد. قرآن، کتاب هدایتگر انسان‌هاست و به تمام ساحت‌های وجودی انسان توجه دارد و تمام عوامل خسران مانند عوامل عقیدتی و عملی را برای انسان معرفی کرده است. همچنین به آثار و نتایج دنیوی و اخروی خسران توجه داشته و اموری که باعث خسران انسان‌ها می‌شود را معرفی کرده و از سالکان صراط مستقیم دعوت می‌کند که برای رسیدن به مقصد از این عوامل دوری کنند.

درباره خسران و آثار و عوامل آن تحقیقاتی در قالب کتاب، مقاله و پایان‌نامه نوشته شده است. شیما نصراللهی در پایان‌نامه معناشناسی خسران و علل آن در قرآن کریم، معانی لغوی و اصطلاحی خسران و مصادیق آن، انواع خسران و مصادیق آن، ویژگی‌های فرد خاسر و گروه‌های زیانکاران و آثار و سرچشمه خسران را بررسی و راه‌های اجتناب و جلوگیری از خسران را معرفی کرده است. حجت صفری نادری نیز در پایان‌نامه خسران از منظر قرآن و نهج‌البلاغه مفهوم خسران و مصادیق آن را بررسی و عوامل آن را با استفاده از آیات قرآنی و بیانات مفاهیم نهج‌البلاغه بیان کرده است. وی در پژوهش خود به ذکر راه‌های جلوگیری از خسران و ظهور اعمال خسران‌آور می‌پردازد. اگرم دیانی در کتاب عوامل و پیامدهای خسران در آیین قرآن و حدیث با بررسی آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام به مفاهیم و ماهیت خسران و عوامل آن پرداخته و پس



از بیان ویژگی‌ها و صفات خاسرین، شیوه‌های پیشگیری از خسران را شرح داده است. مفسران ذیل آیات مربوط به خسران، نکات ارزشمندی را در زمینه خسران، عوامل و آثار آن بیان کرده‌اند. عوامل خسران به عوامل اعتقادی و عملی قابل تقسیم است. آثار خسران نیز به آثار دنیوی و اخروی تقسیم می‌شود. مقاله حاضر، عوامل اعتقادی خسران با توجه به دیدگاه مفسران مانند صاحب تفسیر المیزان را بررسی می‌کند. نگارنده تحقیق حاضر تلاش می‌کند تا آیات قرآنی مربوط به عوامل خسران را جمع‌آوری کرده و با توجه به تفسیر المیزان پس از بررسی در حد توان خود تصویر جامعی از این موضوع ارائه کند.

## ۲. مفهوم‌شناسی

### ۲-۱. خسران

خسران از خَسْر به معنای نابودی است. «الْخَسَارُ وَالْخَسَارَةُ وَالْخَيْسَرِيُّ» به معنای گمراهی و هلاکت است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۲۳۸/۴؛ ابن درید، ۱۹۹۸، ۵۸۴/۱) راغب اصفهانی، خسران را به معنای ازدست دادن سرمایه زندگی می‌داند که گاهی به خود انسان: «خسر فلان؛ او زیانمند شد و خسارت دید» و گاهی به عمل انسان: «خَسِرْتُ تجارتَه؛ تجارت او آسیب دید و سرمایه‌اش را ازدست داد» نسبت داده می‌شود. این واژه درباره دستاوردهای زندگی مثل مال و مقام دنیایی و در زیانمندی نتایجی که از حالات نفسانی حاصل می‌شود مثل ازدست دادن صحت و سلامت و عقل و ایمان و ثواب به کار می‌رود. خداوند در آیه ۱۵ سوره زمر زیان نفسانی و روانی را خسران مبین نامیده و می‌فرماید: «الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ؛ شما هرچه را جز او می‌خواهید، بپرستید. بگو: زیان کاران واقعی آنانند که سرمایه وجود خویش و بستگان‌شان را در روز قیامت ازدست داده‌اند. آگاه باشید زیان آشکار همین است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۱۸۱). به عقیده علامه مصطفوی معنای اصلی در این ماده آن چیزی است که در مقابل سود قرار می‌گیرد؛ یعنی کم شدن در مقابل سود کردن، اما

نقص، ضلال، هلاک و گمراهی هریک گاهی در برخی از موارد این معنا منطبق می‌شود و گاهی از آثار این معنا و یا از اسباب و مقدمات آن هستند (مصطفوی، ۱۴۳۰، ۶۱/۳).

## ۲-۱-۱. واژه‌های مرادف خسران

واژه ضلال به معنای گمراهی و انحراف از راه مستقیم (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۴۶۰/۲)، ضرر به معنای ضد سود (ابن درید، ۱۹۹۸، ۱۲۲/۱) و هلاکت به معنای چیزی است که با دگرگونی و فساد از بین برود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۵۲۵/۴). اینها از واژه‌های مرتبط با خسران هستند.

## ۲-۱-۲. عوامل خسران

قرآن کریم که هادی و هدایت‌کننده است تمام عوامل خسران را در آیات متعدد و به‌طور کامل ذکر و شناسایی کرده و انسان‌ها را به تدبیر، تفکر و تعقل دعوت کرده و از هر نوع انحراف ممکن بر حذر داشته است. سرچشمه اعمال انسان اعتقادات اوست. از این رو اعتقادات انسان در سعادت و شقاوت او نقش مستقیم دارد. بخش بزرگی از خسران مربوط به اعتقادات انسان و بخش دیگر به اعمال انسان برمی‌گردد. عوامل خسران به دو عامل اعتقادی و عملی تقسیم و سبب منحرف شدن او می‌شود. کفر به خداوند، کفر به قرآن کریم، کفر به انبیای الهی و کفر به لقای خداوند که همان انکار معاد است از عوامل اعتقادی خسران شمرده می‌شود. ترک عمل به قرآن، تکذیب آیات الهی، تکذیب معاد، جهل، خباثت، دشمنی با حق و دشمنی با خدا و پیامبر ﷺ از عوامل عملی خسران در آیات قرآن معرفی شده‌اند. مقاله حاضر عوامل اعتقادی خسران باتوجه به آیات قرآن و باتکیه بر تفسیر المیزان از شناسایی و معرفی می‌کند.

## ۳. عوامل اعتقادی خسران در قرآن

### ۳-۱. کفر

کفر در لغت به معنای پوشش و پوشیده شدن چیزی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۴۰/۶) و به معنای کفر نعمت و نقیض شکر آمده است (ازهری، ۱۴۲۱، ۱۱۰/۱۰). در اصطلاح به معنای



ضد اسلام (ابن درید، ۱۹۹۸، ۷۸۶/۲) و ضد ایمان (جوهری، ۱۳۷۶، ۸۰۷/۲) است. متعلق کفر، امور متعددی است که با توجه به آیات مربوطه بررسی می‌شود.

### ۳-۱-۱. کفر به خداوند

خداوند در قرآن، کفر به خود را یکی از عوامل خسران واقعی بیان می‌کند مانند آیه «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيُضِدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيَنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُخْشَرُونَ لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ الْخَبِيثَ بَعْضَهُ عَلَىٰ بَعْضٍ فَيَرْكُمُهُ جَمِيعًا فَيَجْعَلُهُ فِي جَهَنَّمَ أَوْلِيكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ؛ آنها که کافر شدند اموالشان را برای بازداشتن (مرد) از راه خدا خرج می‌کنند. آنان این اموال را (که برای به دست آوردنش زحمت کشیده‌اند در این راه) مصرف می‌کنند، اما مایه حسرت و اندوهشان خواهد شد و سپس شکست خواهند خورد و (در جهان دیگر) کافران همگی به سوی دوزخ گردآوری خواهند شد. (اینها همه) به دلیل آن است که خداوند (می‌خواهد) ناپاک را از پاک جدا سازد و ناپاک‌ها را روی هم بگذارد و همه را متراکم سازد و یک جا در دوزخ قرار دهد و اینها زیان‌کاران هستند». (انفال: ۳۶ و ۳۷) علامه طباطبایی در شرح این دو آیه سوره انفال می‌نویسد: «این آیه در شرح حال و احوال کافران است. کافرانی که فکر می‌کردند با سعیشان و با قرار دادن مال و اموالشان می‌توانند راه حق خداوند را سد کنند و ببندند، درحالی‌که آنها هیچ وقت به مقصد نمی‌رسند؛ زیرا مال و اموالی که از راه ظلم و فسق و فجور و یا از هر راه فساد دیگری خرج می‌شود آنها را به سوی نتیجه اصلی که همان رستگار شدن آنهاست، نمی‌برد و در نتیجه اموالی که در این راه خرج شده بر باد رفته و هیچ سودی از آن نمی‌برند و این باعث حسرتشان می‌شود و چون (در دنیا) درمقابل خدا و پیامبر ﷺ و راه حق ایستادگی می‌کردند در آخرت به جهنم محشور می‌شوند» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۹۶/۹).

علامه در آیه «لِيَمِيزَ اللَّهُ» می‌گوید: «خداوند در این آیه می‌فهماند که خدای متعال، سنت و قانون خاص خود را دارد و این سنت آن است که تمام پاکی و ناپاکی‌ها، خوبی و بدی‌ها، خیر و شرها را از هم به طور کامل و مطلق جدا می‌سازد و بعد از جدا کردن تمام خیرها و شرها، اعمال

خیر را در بهشت و اعمال شر را بر روی هم متراکم می‌کند و به جهنم می‌اندازد. در نتیجه تمام اعمال بد کافران روی هم قرار داده می‌شود و خود آنها در جهنم انداخته خواهند شد و آنها از زیان کاران خواهند بود». (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۹/۹۷) از نظر علامه طباطبایی، آیه در مورد کافرانی است که فکر می‌کردند با انفاق مال و اموال خود توانایی این را دارند که راه حق خدا را سد کنند در حالی که از این غافل هستند که خداوند هیچ راه باطلی را اجازه نمی‌دهد نزدیک راه حق باشد تا آن را سد کند. همچنین خداوند کارهای خوب مؤمنان را از کارهای بد کافران جدا می‌سازد و مؤمنان به بهشت و کافران به جهنم برده خواهند شد» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۹/۹۷).

### ۳-۲-۱. کفر به آیات الهی و کفر به لقاء الله

دو عامل دیگر از عوامل اعتقادی خسران، کفر به آیات الهی و لقاء خداوند است که در آیه ۱۰۲ سوره کهف در کنار هم ذکر شده است. در این آیه خداوند از گروه «اخرین اعمالا» یاد می‌کند و می‌فرماید: «قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَ لِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنًا؛ بگو: آیا به شما خبر دهیم که زیان‌کارترین (مرد) در کارها چه کسانی هستند. آنها که تلاش‌هایشان در زندگی دنیا گم (و نابود) شده با این حال می‌پندارند کار نیک انجام می‌دهند. آنها کسانی هستند که به آیات پروردگارشان و لقای او کافر شدند. به همین دلیل، اعمالشان حبط و نابود شد. از این رو روز قیامت، میزانی برای آنها برپا نخواهیم کرد». (کهف: ۱۰۳-۱۰۵) علامه از ظاهر سیاق استفاده کرده است که مخاطب این آیه، مشرکان هستند و خداوند بالحن کنایه می‌فرماید: «بگو می‌خواهید به شما خبر دهیم چه کسی در عمل خاسرتر از هرکس است». با اینکه منظور خود مخاطبین است، ولی بعد از يك آیه، لحن سخن را عوض کرده نزدیک به صراحت می‌فرماید: «أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَ لِقَائِهِ». مشخص می‌شود که منکرین نبوت و معاد که کفر به آیات خدا و لقای او معرف ایشان است همان مشرکین هستند.

این آیه از افرادی خبر می‌دهد که در عمل از هر زیان کاری، زیان کارتر هستند. کسانی که در زندگی دنیا نیز از عمل خود بهره نگرفتند؛ زیرا ضلال سعی همان خسران و بی‌نتیجه بودن عمل است و گمان می‌کنند که کار خوبی انجام می‌دهند. همین پندار است که مایه تمامیت خسران ایشان شده است. توضیح آنکه اگر کاسب به هدفی که از سعی و تلاش خود دارد، نرسد مانند اینکه سرمایه‌اش از دست برود و یا سودی عایدش نگردد خسران تحقق می‌یابد، اما این خسران اگر به دلیل ماهر نبودن یا عوامل دیگر باشد امید هست که بعد از کسب تجربه و برطرف کردن موانع آن را جبران کند، اما اگر متوجه زیان خود نباشد و به خیال خود گمان کند که سود برده است چنین خسروانی امیدی به جبران نیست. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۵۴۷/۱۳) جمله «أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ» تعریف دومی برای «بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا» و تفسیری بعد از تفسیر آن است. باتوجه به مطلق ذکر شدن آیات می‌توان گفت که منظور از آن، آیات آفاقی و انفسی و معجزاتی است که انبیا برای تأیید رسالت خود می‌آورند، پس کفر به آیات، انکار نبوت است. علاوه بر اینکه خود شخص پیامبر از آیات الهی است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۵۴۷/۱۳ و ۵۴۸).

نکته دیگر در آیه این است که اصل در تمیز این است که مفرد آورده شود، اما در آیه، کلمه «اعمالاً» به صورت جمع آمده است؛ زیرا می‌خواهد اعلام کند که خسران اختصاص به یک نوع اعمال ایشان ندارد، بلکه شامل تمام انواع کارهای ایشان می‌شود. (آلوسی، ۱۴۱۵، ۳۶۸/۸) «لِقَاءً» مقابله و روبه‌رو شدن است که باهم به صورت تصادفی برخورد کنند که به هرکدام جداگانه تعبیر شده است. فعل این واژه «لَقِيَ، يَلْقَاهُ، لِقَاءً، أَوْ لُقِيَا وَ لُقِيَةٌ» است که این معنی در مورد ادراك حسی به وسیله چشم یا عقل اطلاق می‌شود (خسروی، ۱۳۷۵، ۱۴۹/۴). از نظر فخر رازی این معنا درباره «لقاء الله» محال است و در این آیه یا باید گفت رؤیت در آیه مجازی است و یا منظور از «لقاء الله»، «لقاء ثواب الله» است و کلمه ثواب را در تقدیر گرفت و حمل لفظ بر مجاز بهتر از این است که کلمه ثواب در تقدیر گرفته شود (فخر رازی، ۱۴۲۰، ۵۰۱/۲۱ و ۵۰۲). از نظر علامه طباطبایی مراد از کفر به لقای خدا، کفر به معاد و بازگشت به سوی اوست. بنابراین، زیان کارترین زیان کاران کسانی هستند که منکر نبوت و معاد هستند و این از خواص بت پرستان

است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۵۴۸/۱۳). باتوجه به آیه شریفه می‌توان گفت که کفر نسبت به آیات الهی و کفر به لقای خداوند یا انکار معاد از عوامل اعتقادی خسران است.

### ۳-۱-۳. کفر به انبیای الهی

از دیدگاه قرآن یکی دیگر از عوامل خسران، کفر ورزیدن به انبیای الهی و پیروی نکردن از آنهاست. خداوند، پیامبران خود را فرستاد برای اینکه هدایت‌گر و راهنما، منذر و مبشر برای همه انسان‌ها باشند. آیه ۳۶ سوره نحل می‌فرماید: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ؛ ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که خدای یکتا را بپرستید و از طاغوت اجتناب کنید». در دعوت تمام انبیا دو مسئله اساسی وجود دارد: اول، دعوت به توحید و یکتاپرستی و دوم، مبارزه کردن با طاغوت و دوری کردن از آن. این دو اساسی‌ترین و اصلی‌ترین دعوت تمام پیامبران است و در طول تاریخ بشر درمقابل هر پیامبری هنگام دعوت کردن، یک طاغوتی وجود داشته که با آن پیامبر مبارزه کرده و او را از نشر دین حق باز می‌دارد. کفرورزی نسبت به پیامبران الهی و عدم پیروی از آنها از عوامل خسران است که در آیه ۳۷ سوره بقره به آن تأکید شده است و می‌فرماید: «الَّذِينَ يَتَّقُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ؛ کسانی هستند که پیمان خدا را، پس از محکم ساختن آن می‌شکنند و پیوندهایی را که خدا دستور داده برقرار سازند، قطع نموده و در روی زمین فساد می‌کنند. اینها زیان‌کارانند». علامه در تفسیر این آیه می‌فرماید: «از بخش اول آیه فهمیده می‌شود که بحث نبوت مربوط به امت خاص و افراد خاصی نبوده، بلکه برای همه امت‌های قبلی بوده و ادامه دارد و همچنین همه افراد به پیامبر احتیاج دارند؛ زیرا خداوند آنچه که انسان نیاز دارد را می‌داند چون خالق آنهاست و از طرف دیگری هم برای اتمام حجت بین خود و انسان‌هاست. در بخش دوم آیه، وظیفه انبیا بیان شده است که وظیفه آنها بشارت دادن و منذر بودن است و از این فهمیده می‌شود که از قبل، مردم به دودسته تقسیم شده‌اند: دسته اول، کسانی که هدایت یافتگانند که آنها پاداش عمل خود را نزد خداوند دریافت می‌کنند





و دسته دیگر، گمراهانند که از خاسران بوده و نزد خداوند جز عذاب چیز دیگری ندارند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۲/۳۵۳).

### ۳-۱-۴. کفر به قرآن

از نگاه قرآن، یکی دیگر از عوامل خسران، کفر به قرآن است؛ زیرا خداوند متعال قرآن را نازل کرد تا به واسطه آن انسان‌ها به صراط مستقیم هدایت شوند و از اسباب و موانع هدایت دور باشند. اگر همین کار را انجام نداده باشند به راستی به خسران محض گرفتار خواهند شد. در آیه ۱۲۱ سوره بقره آمده است: «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَثْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ؛ کسانی که کتاب آسمانی به آنها داده‌ایم [یهود و نصاری] آن را چنان که شایسته آن است می‌خوانند. آنها به پیامبر اسلام ﷺ ایمان می‌آورند و کسانی که به او کافر شوند، زیان‌کارند». تعبیر حق تلاوت در آیه، تعبیر پرمعنایی است؛ زیرا مردم در برابر آیات الهی چند دسته هستند: گروهی تمام اصرارشان بر ادای الفاظ و حروف از مخارج آن است و اهمیت چندانی به محتوا و معنای آیات نمی‌دهند. گروه دیگر از الفاظ فراتر رفته و در معانی دقت می‌کنند و در ریزه‌کاری‌ها و نکات قرآن می‌اندیشند و از علوم آن آگاه هستند، اما درصدد عمل کردن به دستورات قرآن نیستند. گروه سوم، مؤمنان واقعی هستند. آنها قرآن را برای برنامه کامل زندگی پذیرفته‌اند و خواندن الفاظ و اندیشه در معانی و درک مفاهیم این کتاب بزرگ را مقدمه‌ای برای عمل می‌دانند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱/۴۳۱). از نظر علامه طباطبایی رحمته‌الله علیه معنای حق تلاوت این است که آیات آن را شمرده شمرده بخوانند و در معنای آن تدبر و به احکام آن عمل کنند و به وعده‌هایش امید بندند و از تهدیدهایش بهراسند و از داستان‌هایش عبرت بگیرند و اوامرش را به کار بندند و نواهایش را اجتناب کنند. این افراد هستند که به قرآن ایمان می‌آورند و کسانی که کفر بورزند از زیان‌کاران خواهند بود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱/۴۰۲).

### ۳-۱-۵. کفر به پیامبر اکرم ﷺ

در آیه ۲۰ سوره انعام خداوند متعال خاسران را چنین معرفی می‌کند: «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ آبْنَاءَهُمْ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ؛ آنان که کتاب آسمانی به

ایشان داده ایم به خوبی او [پیامبر] را می‌شناسند همان‌گونه که فرزندان خود را می‌شناسند. فقط کسانی که سرمایه وجود خود را از دست داده‌اند، ایمان نمی‌آورند». افرادی از اهل کتاب که به پیامبر اکرم ﷺ کفر ورزیدند کسانی نبودند که از حال و احوال پیامبر اکرم ﷺ خبر نداشتند، بلکه به خوبی ایشان را می‌شناختند، حتی خصوصیاتش را در کتاب‌های خود از قبل خوانده بودند، اما به طور عمدی به پیامبر اکرم ﷺ ایمان نیاوردند. در آیه ماقبل این آیه، کفار از یهود و نصاری درباره پیامبر اکرم ﷺ سؤال می‌کردند که آیا صفات پیامبر ﷺ در تورات و انجیل موجود هست و آنها در جواب منکر می‌شوند و پنهان می‌کنند، اما خداوند در این آیه حرف‌های آنها را تکذیب می‌کند و در جواب به آنها می‌فرماید: «آنها پیامبر اکرم ﷺ را همانند فرزندان خود می‌شناختند». علامه در تفسیر آیه می‌فرماید: «اهل کتاب با توجه به کتاب‌های آسمانی خداوند که نازل کرده بود تمام صفات و اوصاف خاتم النبیین را می‌دانستند و هیچ از آنها پنهان نبود به این معنا علمای اهل کتاب پیامبر را ندیده همانند فرزندان خود می‌شناختند، اما مشکل اینجاست که بعضی از آنها این اطلاعات را از مردم پنهان می‌کردند به همین دلیل خداوند جایگاه آنها را در آخر آیه بیان کرد که آنها از خاسرین هستند: «الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ». تنها کسانی به این پیامبر (با این همه نشانه‌های روشن) ایمان نمی‌آورند که در بازار تجارت زندگی همه چیز خود را از دست داده و سرمایه وجود خود را باخته‌اند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۵۴/۷).

### ۳-۱-۶. کفر به ایمان

یکی دیگر از عوامل اعتقادی که باعث خسران انسان می‌شود کفر به ایمان است. در فراز آخر آیه ۵ سوره مائده آمده است: «وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ؛ و هرکس کفر ورزد بدانچه باید ایمان آورد حقا که عملش تباه شده و در آخرت از زیان‌کاران است». از نظر علامه طباطبایی، اصل معنای کفر، پوشاندن است. اول باید یک چیز ثابتی وجود داشته باشد و کافر آن را بپوشاند تا معنای واقعی کفر تحقق یابد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۳۳۱/۵). معنای کفر به ایمان آن است که انسان نسبت به عمل کردن به اموری که حق است، کوتاهی می‌کند و انجام نمی‌دهد مانند اینکه می‌داند نماز و روزه و حج از ارکان اسلام است و باید آنها را به جا بیاورد، اما

انجام نمی‌دهد و نسبت به آنها کافر می‌شود. علامه طباطبایی نکته لطیفی در تفسیر این آیه ذکر کرده است که زمانی کفر به ایمان برای کسی صادق است که لازمه ایمان را همواره ترک کند و برای همیشه و برخلاف علم و آگاهی خود عمل کند، اما اگر کسی یک یا دوبار برخلاف علم خود عمل کند به او گفته نمی‌شود که ایمان خود کفر ورزیده، بلکه گفته می‌شود که مرتکب گناه و یا فسقی شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۳۳۲/۵). در نتیجه مراد از جمله «وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ» کسانی هستند که در پوشاندن حق و عمل نکردن به علم خود مداومت دارند.

علامه طباطبایی با ذکر چند روایت برای این آیه مصادیق ایمان را مشخص کرده است مانند - «سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: الَّذِي يَكْفُرُ بِالْإِيمَانِ - الَّذِي لَا يَعْمَلُ بِمَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ وَلَا يَرْضَى بِهِ؛ كَسِيٌّ كَمَا بِهِ أَنْجَحَ خَدَايَ تَعَالَى أَمْرَ فَرَمُودَةَ عَمَلٍ نَكُنْدُ وَبِهِ أَمْرُ خَدَا رَاضِي نَبَاشِدُ». (عیاشی، ۱۳۸۰، ۲۹۷/۱). در این روایت عمل نکردن به دستورات الهی و راضی نبودن به آنها از مصادیق کفر به ایمان معرفی شده است؛

- «عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ تَفْسِيرِ هَذِهِ الْآيَةِ: «وَمَنْ يَكْفُرُ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ» يَعْنِي بَوْلَايَةِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ فِي الْأَخْرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ؛ از جابر از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در مورد تفسیر آیه پرسید و ایشان در جواب گفت: به معنای ولایت امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ است» (عیاشی، ۱۳۸۰، ۲۹۷/۱). در این روایت، انکار ولایت امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ کفر به ایمان تلقی شده که موجب حبط اعمال و در نتیجه از عوامل خسران در آخرت است.

یکی از مفسران درباره کفر ورزیدن به ایمان، اشکال کرده است که کفر می‌تواند به خدا و رسول باشد، اما کفر به خود ایمان محال است. بنابر نظر ابن عباس و مجاهد، کفر به ایمان مجازی است و مراد از آن، کفر به خداوند است؛ زیرا مشهور است که اگر کسی صاحب چیزی شود اسم خود روی همان گذاشته می‌شود و با آن اسم به صورت مجازی صدا می‌شود و اینجا هم چون خداوند صاحب ایمان است با آن یکی تلقی شده است (فخر رازی، ۱۴۲۰، ۲۹۵/۱۱). در بیانات علامه طباطبایی با استناد به روایت، یکی از مصادیق کفر، انکار ولایت امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ است.

#### ۴. ضلالت

یکی دیگر از عوامل اعتقادی خسران، ضلالت و گمراهی است که در چند آیه مطرح شده است. «الضَّلَال» ضدهدایت و به معنای هر عدول و انحرافی از راه مستقیم خواه عمدی یا سهوی و کم یا زیاد است. (خسروی، ۱۳۷۵، ۴۶۰/۲) قرآن کریم ضلالت و گمراهی را یکی از عوامل خسران معرفی کرده است و در آیه ۱۴۹ سوره اعراف می‌فرماید: «وَلَمَّا سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ وَرَأَوْا أَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوا قَالُوا لَئِن لَّمْ يَرْحَمْنَا رَبُّنَا وَيَغْفِرْ لَنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ؛ و هنگامی که حقیقت به دستشان افتاد و دیدند گمراه شده‌اند، گفتند: اگر پروردگاران ما را رحم نکند و ما را نیامرزد به طور قطع از زیان کاران خواهیم بود». در آیه ۱۷۸ همان سوره می‌فرماید: «وَمَنْ يَضِلْ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ؛ و کسانی را که (به خاطر اعمالشان) گمراه سازد زیان کاران (واقعی) آنها هستند»، پس گمراه‌شدگان، زیان کاران واقعی هستند. علامه طباطبایی در مورد آیه اول می‌فرماید: «و لما سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ». این آیه از آیاتی است که در مورد پرستش گوساله قوم موسی عليه السلام صحبت می‌کند. این آیه، آیه تنبهی است. گویا بنی‌اسرائیل نتیجه عمل و کارکردهایشان را دیدند و فهمیدند و بعد از آن اظهار ندامت کرده‌اند؛ زیرا آنها می‌دانستند که کار خوبی انجام نداده‌اند و در نتیجه به بلاها مبتلا شده‌اند؛ بلاهایی که هیچ‌وقت پیش‌بینی نمی‌کردند که به دلیل آثار سوء اعمالشان است؛ زیرا بلا را حس می‌کردند. انگار در دستان خودشان قرار دارد و وقتی اشتباهاتشان را متوجه شدند از خداوند طلب آمرزش کرده‌اند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۳۲۰/۸).

#### ۵. ارتداد

اِرْتِدَاد و رِدَّة به معنای بازگشتن به راهی است که از آنجا آمده است با این تفاوت که رِدَّة، ویژه برگشتن به کفر است و ارتداد هم در این معنی و هم در غیر این معنی به کار می‌رود. ارتداد معروف و مشهور به معنای بازگشتن از دین بعد از ایمان است (قرشی، ۱۳۷۱، ۷۹/۳) که در آیات قرآن از عوامل خسران شمرده شده است. خداوند در بخشی از آیه ۲۱۷ سوره بقره می‌فرماید: «وَلَا يَزَالُونَ يَقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرْدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنْ اسْتَطَاعُوا وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَ



هُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ؛ و [مشركان،] پیوسته با شما پیکار می‌کنند تا اگر بتوانند شما را از دینتان برگردانند و کسی از شما که از دینش برگردد و او در حال کفر بمیرد، پس آنان [همه] اعمالشان در دنیا و آخرت تباہ می‌شود و آنان اهل آتشند [و] آنان در آن ماندگارند». حبط عمل به معنای باطل شدن عمل و از بین رفتن ثواب آن است (طریحی، ۱۳۷۵، ۲۴۰/۴؛ جوهری، ۱۳۷۶، ۱۱۱۸/۳). مراد از اعمالی که حبط می‌شود فقط اعمال عبادتی نیست، بلکه مطلق کارهایی است که انسان به منظور تأمین سعادت زندگی خود انجام می‌دهد و مرتد، آنها را در حال ایمان و قبل از برگشتن به سوی کفر انجام داده است. همان‌طور که ایمان باعث حیات به اعمال و جان انسان می‌شود و انسان را در مسیر سعادت قرار می‌دهد کفر بعد از ایمان که همان ارتداد است موجب می‌شود که اعمال انسان خاصیت خود را از دست داده و دیگر اثری در سعادت او نخواهد گذاشت، البته هنوز تا زمانی که نمرده است امید است که دوباره به اسلام برگردد و حیات دوباره پیدا کند، اما اگر باحال ارتداد بمیرد حبط او حتمی شده و شقاوتش قطعی و درزمره زیان‌کاران واقع می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۶۷/۲).

#### ۶. احساس ایمنی از مکر خداوند

یکی دیگر از عوامل اعتقادی خسران، احساس ایمنی و امنیت از مکر خداوند است. خداوند در آیه ۹۹ سوره اعراف می‌فرماید: «أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ؛ آیا آنها از مکر الهی غافلند در حالی که از مکر (و مجازات) خدا جز زیان‌کاران ایمن نخواهند بود». مکر به معنای حيله، فریب (فیومی، ۱۴۱۴، ۵۵۷/۲) و هزنوع تدبیر و چاره‌اندیشی برای بازگرداندن کسی از هدفش است چه به حق باشد یا به باطل (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۷۷۲). در فارسی امروز، مکر به معنی نقشه‌های شیطانی و زیان‌بخش است (مکارم، ۱۳۷۱، ۲۷۱/۶). گاهی مکر به خداوند نسبت داده می‌شود مانند «و مَكْرُوا وَ مَكَّرَ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ؛ و (یهود و دشمنان مسیح برای نابودی او و آیینش) نقشه کشیدند و خداوند (بر حفظ او و آیینش) چاره‌جویی کرد و

خداوند بهترین چاره‌جویان است» (آل عمران: ۵۴). منظور از مکر الهی آن است که خداوند مجرمان را با نقشه‌های قاطع و شکست‌ناپذیر بدون اختیار خودشان از زندگانی مرفه و هدف‌های خوش‌گذرانی بازمی‌دارد و این اشاره به همان کیفرها و بلاهای ناگهانی و بیچاره‌کننده است (مکارم، ۱۳۷۱، ۲۷۱/۶).

علامه طباطبایی در تفسیر آیه بعد از بیان معنای مکر می‌نویسد: «مکر به معنای گول‌زدن و غافلگیر کردن دیگران درباره خداوند صحیح نیست مگر اینکه به عنوان مجازات باشد. در واقع ایمن بودن از مکر خداوند همان مکر خداست که عاقبت آن عذاب است، پس صحیح است گفته شود مردمی که خود را از مکر خدا ایمن می‌دانند زیان‌کارانند؛ زیرا همان ایمنی‌شان هم مکر خداست». (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۲۵۵/۸ - ۲۵۶) ایمن نبودن از مکر خداوند به دلیل انجام ندادن وظایف و کوتاهی کردن از مسئولت‌هایی است که خداوند آن‌را بر انسان موظف کرده است که انسان‌های باایمان همیشه حالت‌های ترس و امید به‌طور مساوی در دل‌های خود دارند که در بسیاری از روایات به صورت خوف و رجا یاد می‌شود برخلاف زیان‌کاران که وعده عذاب خداوند را از یاد برده‌اند و خود را در نهایت کامل امنیت می‌بینند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۲۷۳/۶).

## ۷. نتیجه‌گیری

- سرچشمه اعمال انسان، اعتقادات اوست و اعتقادات انسان در سعادت یا شقاوت او نقش مستقیم دارد؛

- در آیات قرآن، عوامل خسران به دو بخش اعتقادی و عملی تقسیم می‌شود؛

- کفر و متعلقات آن مانند کفر به خدا، کفر به آیات الهی، کفر به لقاء الله، کفر به انبیای الهی،

کفر به قرآن، کفر به پیامبر ﷺ و کفر به ایمان از عوامل اعتقادی خسران هستند؛

- کافران، مرتدان، گمراهان و ایمنان از مکر خداوند مهمترین مصداق خاسرانی هستند که

دراثر عوامل اعتقادی زیان‌کار شده‌اند؛



- نکته مهم در در عوامل خسران این است که در تفسیر المیزان با توجه به روایتی که حضرت علی علیه السلام را مصداق ایمان معرفی کرده است انکار ولایت امیرمؤمنان از مصادیق کفر به ایمان شمرده شده که از عوامل اعتقادی خسران است.

### جدول ۱: آیات بیانگر عوامل اعتقادی خسران

موضوع	آیات	آیه
کفر به خداوند	«إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيُضِدُّوا عَنْ سَبِيلِ فَسَيَنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُخْشَرُونَ لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ الْخَبِيثَ بَعْضَهُ عَلَىٰ بَعْضٍ فَيَرْكُمُهُ جَمِيعًا فَيَجْعَلَهُ فِي جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ». (انفال: ۳۶ و ۳۷)	۱
کفر به آیات خداوند و لقاء الله	«قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيهِمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا أُولَٰئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنًا». (کهف: ۱۰۳-۱۰۵)	۲
کفر به قرآن	«الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ مَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ». (بقره: ۱۲۱)	۳
کفر به پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>	«الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ». (انعام: ۲۰)	۴
کفر به ایمان	«وَ مَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَ هُوَ فِي الْأَخِرَةِ مِنْ الْخَاسِرِينَ». (مائده: ۵)	۵

ضلالت و گمراهی	«و لما سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ وَ رَأَوْا أَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوا قَالُوا لَئِن لَّمْ يَرْحَمْنَا رَبُّنَا وَ يَغْفِرْ لَنَا لَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ». (اعراف: ۱۴۹)	۶
اضلال	«وَ مَنْ يَضِلِّ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ». (اعراف: ۱۷۸)	۷
ارتداد	«وَ مَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَ هُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ». (بقره: ۲۱۷)	۸
احساس ایمنی از مکر خداوند	«أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ». (اعراف: ۹۹)	۹

### فهرست منابع

#### \* القرآن الکریم

۱. ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۸۷). جمهره اللغة. بیروت: دار العلم للملایین.
۲. ازهری، محمد بن احمد (۲۰۰۱). تهذیب اللغة. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳. آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۴. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶). الصحاح. بیروت: دار العلم للملایین.
۵. خسروی حسینی، سید غلامرضا (۱۳۷۴). ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن. تهران: انتشارات مرتضوی.
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دار القلم.
۷. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. مترجم: موسوی همدانی، سید محمدباقر. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
۸. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
۹. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). مجمع البحرین. تهران: مرتضوی.
۱۰. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰). تفسیر عیاشی. تهران: چاپخانه علمیه.
۱۱. فخر رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر بن حسین (۱۴۲۰). مفاتیح الغیب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۲. فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی. قم: مؤسسه دار الهمجره.
۱۳. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱). قاموس قرآن. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۴. مصطفوی، حسن (۱۴۳۰). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الاسلامیه.